

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میر عبدالرحیم عزیز

ورجینا
۹/۹/۲۰۰۸

احمد شاه مسعود در استخدام سازمان جاسوسی پاکستان (آی اس آی - ISI)

احمد شاه مسعود تا زمان ترورش توسط تروریست های القاعده و یا شاید هم بوسیله مزدوان قسیم فهیم، یک جاسوس چند جانبه بشمار میرفت. او در خدمت هر کشور خارجی که بوی پول و قدرت عرضه میکرد، قرار میگرفت. حامیان احمد شاه مسعود مانند جریده اجیر امید، سایت بی صاحب سرنوشت حامی جنایات ربانی (محترم ویس نصری هویت فرد مسؤول را کشف کرده است) و سائر افغانستانی ها، جاهلانه سعی میورزند تا حقایق تاریخی را دگرگون جلوه داده و یا از آن انکار نمایند. در هر دو صورت، تا حال به جز سر شکستگی و سرافکندگی چیزی دیگری نصیب شان نشده است. اعمال زشتی که از جانب قهرمان ساختگی شان به ارتباط خیانت بوطن سر زده است غیر قابل شمار است. من در گذشته از همکاری احمد شاه مسعود با کی جی بی و سی آی ای صحبت کردم. حالا روابط او را با آی اس آی پاکستان مطرح بحث قرار میدهم.

جریانات سیاسی تاریخ کشور در ۳۰ سال اخیر ثابت میسازد که او تا کدام اندازه با پاکستانی ها نزدیک بود و چه دساتیری را از جانب آی اس آی در تخریب افغانستان به مرحله اجرا گذاشت. اگر تا اکنون زنده میبود و در رأس قدرت قرار میداشت، بدون تردید برای خوشنودی پاکستانی ها حتی معاهده دیورند را هم به رسمیت می شناخت. احمد شاه مسعود مانند سیاف، ربانی، گلبدین، خلیلی، محقق، مزاری و دوستم و سائرین، یکی از مسببین اصلی بربادی ها و ویرانی های افغانستان است. درین راستا از هیچ عمل شنیع خوداری نکرد و از هیچگونه خیانت به کشور و فروش آن به دشمنان افغانستان ابا نورزید. جا دارد که او را اسطوره خیانت و شقاوت بنامیم.

در سالهای ۱۹۷۳ - ۱۹۷۶ ریاست جمهوری مرحوم داود خان، مناسبات افغانستان و پاکستان رو به وخامت گذاشت و پاکستان برای بی ثبات ساختن افغانستان به اقداماتی متنوع دست زد. یکی از آن اقدامات استعمال افراد و گروه های اسلامی بود که به پاکستان فرار نمودند و مستقیماً در خدمت آی اس آی یعنی سازمان جاسوسی پاکستان قرار گرفتند. افرادی مانند ربانی، احمد شاه مسعود، گلبدین حکمتیار و دیگر همراهان، آموزش های تروریستی دیدند و توظیف شدند که علیه کشور شان دست به فعالیت های تخریبی و تروریستی بزنند. درین جا بعضی کتب و اسناد قابل اعتبار را منحیث مأخذ مورد ارزیابی قرار داده و خواهیم دید که احمد شاه مسعود برای بدست آوردن پول و غضب قدرت با دشمنان خارجی و داخلی افغانستان در معاملات علنی و یا مخفی داخل بود.

بعد از استقرار نظام جمهوری در افغانستان در سال ۱۹۷۳، روابط پاکستان و افغانستان رو به سردی رفت و پاکستان افغانستان را متهم به حمایت از جدائی طلبان بلوچ نمود. ذوالفقار علی بوتو صدراعظم وقت پاکستان تصمیم گرفت که مرحوم محمد داوود را در تنگنا قرار داده و از وی انتقام بکشد و سر انجام نظام جمهوری را در افغانستان سقوط دهد.

نظر به گزارش www.issi.org.pk/journal/2002 "بین ۱۹۷۳-۱۹۷۵، پاکستان ۵۰۰۰ اسلامیت ها را که اکثر آنها جوانان مسلمان مخالف نظام جمهوری بودند، در اردوگاه های مخفی نظامی آموزش داد. در اواسط ۱۹۷۵، حملات مخالفین نظام جمهوری مورد حمایت پاکستان در شرق افغانستان اتفاق افتاد. معروفترین شورش مورد حمایت پاکستان علیه نظام داوود در روز ۲۱ جولای ۱۹۷۵ در پنجشیر صورت گرفت که با خشونت سرکوب گردید." سایت www.institute-for-afghan-studies.org همچنان گزارش داد که "بعد از بقدرت رسیدن داوود در سال ۱۹۷۳، احمد شاه مسعود بسوی پاکستان فرار کرد. او در آنجا توسط حکومت ذوالفقار علی بوتو منحصی خرابکار تربیه شد. در سال ۱۹۷۵، به هدایت آی اس آی برای تخریب حکومت داوود به پنجشیر برگشت. بعد از ناکامی، دوباره به پاکستان فرار نمود." این دو گزارش حقایق انکار ناپذیری را در مورد استخدام احمد شاه مسعود توسط سازمان جاسوسی پاکستان نشان میدهد و این هنوز آغاز کار است. کتب و اسناد بیشتر را موشکافی میکنیم.

حضرت عبدالحق مجددی در کتاب خود بنام افغانستان: از امیر کبیر تا رهبر کبیر هم پرده از خیانت های گروه فراری به پاکستان برداشته و افشاگری میکند. مجددی در صفحه ۵۷۱ کتاب خود می نویسد:

دولت داودی به دستگیری اعضای برجسته و سرکرده اخوان المسلمین افغانستان شروع کردند که در قدم اول یکنفر بنام انجنیر حبیب الرحمن را که سر جماعه شاگردان پوهنتون که خود را جوانان مسلمان می گفتند گرفتار نمود و به زندان انداخت... این اولین نفر طلاب مبارز بود که از طرف رژیم جمهوری اعدام شد. متباقی اعضای مبارزین اسلامی دستگیر شده و به زندان انداخته شدند و عده از ایشان موفق به فرار گردیدند که اول به مناطق قبایل آزاد چون تیراه، باجور، وزیرستان و گرم رفتند که بعد تر از آنجا با حکومت ذولفقار علی بوتو در پاکستان رابطه پیدا کرده و به پیشاور راه یافتند در آنجا مرکزیت و دفتر گرفته علیه رژیم محمد داود خان به فعالیت های تبلیغاتی و نشراتی پرداختند که کمی بعد تر در سال ۱۳۵۴ هجری/ شمسی به قیام مسلحانه آغاز نمودند. اینجا و آنجا در لغمان، بتی کوت، کنر، نورستان، بدخشان، پنجشیر، پکتیا و پکتیکا بالای افراد حکومتی و تعمیرات دولتی حمله نمودند. مجددی جرئت نکرد اسمای اشخاصی را که در خدمت پاکستان و سازمان جاسوسی آن قرار گرفتند، ذکر نماید. اما ابومسعود فاروقی، مهتم کتاب، در مورد حادثه پنجشیر اظهار میدارد که **"امر دسته مسلح حمله کنندگان بالای پنجشیر بنام خواجه محمد محفوظ و قوماندان عملیات آن انجنیر احمد شاه مسعود محصل صنف دول پولیتخنیك بود."**

دکتر حق شناس مورخ و تیورسن شورای نظار در صفحه ۲۵۶ کتاب خود بنام دسیاس و جنایات روس در افغانستان: از امیر دوست محمد خان تا ببرک، تلویحاً به توطئه های پاکستان اعتراف نموده لکن شهادت نشان نمیدهد تا هویت رهبر شورای نظار وسائر افرادی را که شامل توطئه پاکستان بوده و دست به تخریبات علیه افغانستان زدند، افشاء کند. همچنان شعوری و یا غیر شعوری از موقف بوتو در قبال موضع گیری او علیه رژیم جمهوری افغانستان حمایت میکند و او را با مخالفین داخلی داود یکی میداند. حق شناس مینگارد:

نارضانیت های عمومی در افغانستان بوتو و گروه های مخالف محمد داود را در هر کجا که بودند موقع میداد تا علیه او دست بکار شوند و زمینه سرنگونی اش را فراهم سازند. کشف و خنثی کردن چندین توطئه های ضد دولتی از جمله علایم این نفرت عمومی بود. در همین ایام فعالیت های گسترده و همه جانبه ای توسط نهضت (بعقیده مولف) جوانان مسلمان در داخل و خارج علیه رژیم محمد داود براه افتاد و در نتیجه قرار بر آن شد تا در يك روز معین در سرتا سر افغانستان قیام عمومی آغاز گردد. به هر حال این پلان در اغلب نقاط کشور بنا به عللی که معلوم نیست عملی نشد. ولی بتاریخ اول برج است ۱۳۵۴ نخستین قیام مسلحانه جوانان مسلمان در پنجشیر و لغمان و لوگر طبق برنامه های قبلی (مولف از آی اس آی چیزی نمیگوید) صورت گرفت که از حمله در حکومت محلی پنجشیر اغلب جوانان یا شهید و یا گرفتار شدند و عده کمی نجات یافتند.

حق شناس، حادثه پنجشیر را بیان میکند اما نظر به جبن و ترس و وابستگی استعماری رهبر شورای نظار و سائر رهبران گروه های مورد حمایت آی اس آی از افشاء هویت خائنین به کشور خود داری میوزد.

حال، کتب و منابع غیر افغانی را مورد ارزیابی قرار میدهم. اولیور رای (Olivire Roy) محقق فرانسوی معتقد است که جنبش اسلامی ضد داود در آنوقت بدو دسته تقسیم گردید. اعضای جوان این جنبش تحت رهبری گلبدین حکمتیار خواستار يك شورش عمومی بودند، اما ربانی به این عقیده بود که مردم به قیام عمومی آماده نبوده و باید يك روش طولانی را اتخاذ نمود و در اردو نفوذ کرد تا زمینه برای قیام عمومی آماده گردد. رای در صفحه ۵۴ کتاب خود به اسم اسلام و مقاومت در افغانستان چنین می نویسد:

معلوم میشود که بوتو، رئیس جمهور پاکستان، به جوش آمد تا فوراً علیه پالیسی پشتونستان داوود دست بکار شود. برای رسیدن به هدف، بوتو از حکمتیار حمایت نمود. گروه های اسلامی در پشاور با هم یکجا گردیده و با دریافت اسلحه از اردوی پاکستان به انجام ماموریت در افغانستان اقدام نمودند. طرح این شورش منطقی بود: مسعود مسؤول پنجشیر بود، مولوی حبیب الرحمن در لغمان وظیفه داشت، داکتر عمر در بدخشان، نصرتیار در هرات و حکمتیار در جنوبی توظیف شدند.

درین جا بوضاحت کامل و بدون کمترین شک و تردید، عمق ارتباط و وابستگی احمد شاه مسعود را با پاکستان میابیم. سازمان جاسوسی پاکستان آی اس آی، رهبری کلیه افرادی را که در شورش و تخریب کاری در افغانستان فعالیت میکردند، به عهده داشت. طوریکه در مضامین قبلی خود متذکر شدیم، ربانی برای مدتی به حیث چلی در يك مسجد ایفای وظیفه میکرد. بعد از کودتای خلقی ها - پرچی ها، آی اس آی او را در رأس جمعیت اسلامی قرار داد که از زمره گروه هفت گانه محسوب میشد. احمد شاه مسعود به همکاری خود با آی اس آی ادامه داد تا اینکه کی جی بی او را بدام انداخت و وعده رهبری را به او داد. احمد شاه مسعود هم دوباره به پنجشیر آورده شد تا از نزدیک زیر نظارت کی جی بی فعالیت نموده و دساتیر شوروی سابق را در تخریب جهاد و عملکرد صلح روی دست گیرد.

مارتین اوان (Martin Ewans) در صفحه ۱۸۰ کتاب خود بنام افغانستان: تاریخ مختصر مردم و سیاست اش مینگارد:

در سال ۱۹۷۴، محمد نیازی رهبر اخوان المسلمین با دو صد تن از همراهانش زندانی گردیدند. يك تعداد دیگر بسوی پاکستان فرار نموده و در آنجا حرکت مخالف دولت افغانستان را تاسیس کردند. این گروه گلبدین حکمتیار و برهان الدین ربانی را در خود داشت. حکومت پاکستان به آنها پناهندگی داده و از آنها علیه افغانستان به ارتباط داعیه پشتونستان استفاده میکرد. مهم ترین اقدام آنها در دره پنجشیر بود، جاییکه يك تعداد به رهبری احمدشاه مسعود مختصراً بعضی مراکز حکومتی را اشغال کرده قبل از اینکه عقب نشینی نمایند.

این اظهاریه مارتین اوان، بار دیگر وابستگی احمد شاه مسعود را به پاکستان و استخدام او را توسط آی اس آی ولو که موقتی هم بوده باشد، به اثبات میرساند. خواه جریده مزدور امید خوش شود و یا آزرد، چنین حادثه خائنه در کشور اتفاق افتاده و هیچ کسی هم قادر به رد آن نیست. آیا مزدوران امید و شرکا قادر خواهند بود که این همه اسناد و کتب را به ارتباط استخدام احمد شاه مسعود توسط سازمان جاسوسی پاکستان (آی اس آی) نادیده انگاشته و یا کتمان نمایند. اینک گزارش تاریخی ۳۰ نوامبر سال ۲۰۰۱ موسسه جنگ و صلح در لندن را زیر عنوان اسلام آباد به ائتلاف شمال اظهار علاقه میکند، مورد بررسی قرار داده و خواهیم دید که چطور اسناد و گزارشات مختلف درین خصوص متمم يك دیگر شده اند. موسسه جنگ و صلح می نویسد:

"ایران زمینه تماس را بین اسلام آباد و اسماعیل خان قومندان مورد اعتماد ایران در هرات مهیا ساخته است. مقامات ترکیه عین نقش را در نزدیکی دوستم و اسلام آباد بازی نموده اند. دومی مرکز مذاکره بین ربانی، رئیس جمهور خود ساخته، و مامورین سازمان امنیت پاکستان آی اس آی بوده است." نویسنده این مضمون قبلاً تماس ربانی و آی اس آی را در مضمونی خود بنام نقاب سیاه از چهره ربانی پانین می افتد که در آرشیف پورتال افغان - جرمن آنالین موجود است، به اطلاع هموطنان رسانید. گزارش موسسه جنگ و صلح ادامه میدهد که "در دهه هفتاد، حمایت از احمد شاه مسعود، به

مقاصد پاکستان کمک میکرد. مسعود و دو مخالف دیگر، ربانی و تندرو دست راستی گلبدین حکمتیار، به پشاور پناهندگی داده شدند. اگرچه مسعود يك تاجك بود، بوسیله CIA/ISI یکی از قومندانان گروه های هفت گانه شد که علیه شوروی ها بجنگد. سر انجام مسعود روابط خود را با پاکستان نسبت التقات بیشتر اسلام آباد بسوی گلبدین پشتون قطع نمود. " صرف نظر از خرابی روابط، احمد شاه مسعود تا دقایق آخر در خدمت پاکستانی ها بود. گزارش موسسه جنگ و صلح حاکمیت، چنینکه بینظیر بوتو در کرسی صدارت پاکستان تکیه زد، **احمد شاه مسعود شخصی بنام جمعت الله جلال را نزد بوتو فرستاد. جلال نامه تیریکی احمد شاه مسعود را نسبت انتخاب بوتو در پست صدارت پاکستان بوی سپرد و علاقمندی احمد شاه مسعود را به داشتن روابط نیک با پاکستان اظهار نمود**، اما تملق و کسه لیبی احمد شاه مسعود مورد پذیرش بوتو قرار نگرفت. خرابی روابط بین آس آی و احمد شاه مسعود، معنی برائت مسعود نیست. روابط نجیب و کی جی بی هم در روز های نهائی آخرین حکومت دست نشانده شوروی به وخامت گذاشت که بالاخره منجر به سقوط نجیب گردید. جاسوسی احمد شاه مسعود به نفع پاکستان و علیه کشورش قبلاً ثبت تاریخ شده و گریزی از آن شده نمیتواند.

ببینیم که هموطنان ما در مورد احمد شاه مسعود و همکاری اش با آس آی چه نگاشته اند. محترم حمید انوری دوست گرانقدر ما مضمونی را تحت عنوان مرآجل جهاد/ احمد شاه مسعود که در آرشیف پورتال افغان - جرمن آنالین موجود است، نگاشته و ارتباط احمد شاه مسعود را با پاکستان چنین توضیح میدهد:

با کودتای سرطان ۱۳۵۲ اوضاع سیاسی و اجتماعی افغانستان دگر گونه گشت. بعد از کودتا تعدادی از رهبران (اخوان) زندانی و تعدادی دیگر مانند گلبدین، ربانی، مسعود و... به پاکستان فرار نمودند. فعالیت (اخوانی ها) با تحریک و حمایه پاکستان وارد مرحله جدیدی گردید. I.S.I و دولت پاکستان که در انتظار چنان روزی لحظه شماری داشتند، ورود فراریان اخوانی را با آغوش باز پذیرفتند و وعده باز شدن دفاتر سیاسی، تربیه نظامی و کمک های پولی و تسلیحاتی را به اخوان اعلان نمودند. جلسه اخوانی ها در پاکستان تحت نظر دولت و I.S.I دایر گردید و در آن جلسه امر جهاد علیه رژیم سردار داوود توسط رهبر جمعیت العلمای پاکستان اعلان گردید. گلبدین مسؤول نظامی (اخوان) و احمد شاه مسعود فرد دوم بخش نظامی تعیین گردیدند. تعلیمات نظامی (اخوان المسلمین) که در آن از افراد رهبری گلبدین و احمد شاه مسعود شرکت داشتند توسط جنرال نصرالله بابر صورت گرفت. این تعلیمات نظامی مدت سه ماه را در بر گرفت که طی سه ماه طریق و شیوه تخریب پلها، کمین گیری، انفجارات و استعمال سلاح به اعضای (اخوان المسلمین) تعلیم داده شد. بعد از ختم دوره آموزش نظامی مطابق تصمیم دولت پاکستان وظایف هر فرد تعیین و با پول و سلاح جهت جهاد علیه رژیم سردار داوود دوباره به افغانستان فرستاده شدند... بنأ احمد شاه مسعود و سائر (اخوانی) ها اولین کسانی بودند که به پاکستان قدم گذاشتند و در وابستگی با دولت پاکستان و I.S.I قرار گرفتند.

حین بازگشت به پنجشیر، از جوزای سال ۱۳۵۸ تا اوایل سال ۱۳۵۹، احمد شاه مسعود قتل يك تعداد از مجاهدین واقعی را که از بنیان گذاران مبارزه ضد شوروی بودند، روی دست گرفت. محترم سهراب نویسنده مضمون از شخصیت سازی تا قهرمان پرستی تهوع آور که در آرشیف پورتال افغان - جرمن آنالین موجود است، از اسمای قربانیان احمد شاه مسعود در دره پنجشیر نام میبرد:

از آنجمله احمد جان پهلوان بود که توسط مسعود به قتل رسید. سپس عظیم فارغ الحاصل مکتب ابو حنیفه از منطقه گلاب خیل را که یکی از جنگنده گان دلیر پنجشیر بود، بقتل رسانید. همچنان مسعود معلم دین محمد پنجشیری را نیز سر به نیست کرد. دیگران عبارت اند از معلم نور محمد مجاهد، مشهور به کارتوس، تاج، وصال از پنجشیر پائین، از قریهء تاواخ خواجه میرزا و دیگران، از قریهء سنگین خانه میر حسین که برادرش از روابط مسعود بود. از قریهء بابیه ولی فاروق، رازق و سیف الدین (یکی از سر گروپ های برجسته که در عملیات ضد روسی نقش فعال داشت). از قریه کرامان، نظر... و خلاصه احمد شاه مسعود تا اخیر سال ۱۳۵۹ در حدود پنجاه تن مبارز پنجشیری و تعداد زیادی از روشنفکران پنجشیری را بقتل رسانید و بعد مصروف تصفیه جبهات اطراف پنجشیر گردید. او در سال ۱۳۵۹ مجاهدین ملی اندراب را به بهانه نشان دادن راه مواصلاتی و وعده کمک سلاح به پنجشیر دعوت نمود و بعد همه را دست بسته به کام امواج دریای پنجشیر سپرد. همچنان در

همان سال در پیشغوری پسر وکیل نصرالله خان را در يك شبیخون از میان برداشت، تا بالاخره بنام قومندان احمد شاه مسعود مشهور گردید.

يك فيصد از خیانت های احمد شاه مسعود تا حال آشکار نشده و نخواهد شد. با آنهم، از خلال همین اسناد و کتب که تا حال به طبع رسیده میتوان عالم های معلومات را به ارتباط خیانت ملی احمد شاه مسعود بدست آورد. حامیان وی در هر جائیکه اند باید بدانند که کتمان حقایق برای همیشه امکان ندارد. دور و یا زود، همان کشور های بادر هویت جواسیس خارجی خود را افشا میکند طوریکه ده ها کتاب از جانب نویسندگان شوروی به ارتباط زعمای خلق و پرچم و روابط قوای ۴۰ با احمد شاه مسعود به نشر سپرده شده است. ده ها کتاب دیگر هم در امریکا بعد از حادثه تروریستی سپتامبر ۱۱ سال ۲۰۰۱ به نشر رسیده است که برای مزدوران ائتلاف شمال و حواریون آن آبرو باقی نمانده است. بر علاوه جریده مزدور امید، ده ها همجو جریده مزدور که به میان آید، نخواهند توانست که جریانات تاریخ را عوض نموده و حوادث تاریخی را منقلب سازند.

ستیف کول (Steve Coll) مولف کتاب جنگ ارواح در صفحه ۱۱۴ کتاب خود در مورد احمدشاه چنین می نویسد: "بابر و حکمتیار، هر دو پشتون، معتمد یک دیگر شدند و طرح یک قیام را علیه داوود ریختند. آنها مسعود را برگزیدند تا پنهانی به پنجشیر رفته و شورش را آغاز کند. مسعود همان کار را کرد اما این حادثه به شکست مواجه شد. مسعود بار دیگر یعنی دوبار در دو سال، بسوی پاکستان فرار نمود." مولف کتاب در صفحه ۱۹۰ می نویسد که مسعود ماهانه ۲۰۰۰۰۰ دلار از سی آی ای دریافت میکرد و این پول در حال افزایش بود زیرا سی آی ای (CIA) میدانست که آی اس آی (ISI) پول کم در اختیار مسعود میگذاشت. این حالت نشان میدهد که احمد شاه مسعود بر عکس ادعای حامیانش دشمن پاکستان نبوده و متواتر از ISI با وجود مقدار کم، در قبال خدمات جاسوسی اش پول میگرفت. برعکس عقیده مولف کتاب، جیمز بامفورد (James Bamford) در اخبار واشنگتن پست مورخه ۲۹ فروری سال ۲۰۰۴ نوشت که احمد شاه مسعود بقدر کافی از سازمان جاسوسی پاکستان (ISI) پول بدست میآورد.

آیا کسی میتواند این همه گزارشات و کتبی را که معلومات کافی به ارتباط فعالیت جاسوسی احمد شاه مسعود به نفع پاکستان ارائه میدهد، رد نماید. آیا جراید اجیر و سایت های مزدور میتوانند بگویند که احمد شاه مسعود در خدمت آی اس آی نبود؟ محاذله من علیه کلبه و ظفر و شان از هر نوعی که باشند به همان شدت قلبی ادامه خواهد یافت.